

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حمید محوی

۲۲ جولای ۲۰۱۵

بمباران یمن به وسیله عربستان و یمن با بمب های نوترونی



سرمقاله :

متن حاضر ترجمه سخنرانی روزنامه نگار فرانسوی ونسان رنوآر است که برای نخستین بار آن را در ۱۵ جولای ۲۰۱۲ در وبلاگ «ویژه کاربرد سلاح های اورانیوم ضعیف شده» (۱) منتشر کردم : شرح مفصلی است از بخش کوچکی از جنایات جنگی ایالات متحده آمریکا در جنگ های معاصر. این متن را به دلیل مسائلی که پیرامون «توافقات ۱+۵ با ایران» امروز افکار عمومی را به خود واداشته در این جا به همان شکل اولیه دوباره منتشر می کنم. خاصه به این علت که فعالیت هایم در وب سایت بلاگفا متوقف کرده ام (به دلایل مشکلاتی که پیش آمد).

در قطعنامه ۱۴ جولای شورای امنیت در سازمان ملل متحد (به ترجمه خبرگزاری فارسی) در بند ۵ نوشته شده: «با استقبال از تصریح ایران در برجام مبنی بر این که تحت هیچ شرایطی به دنبال تولید و یا داشتن سلاح هسته‌ای نخواهد بود»

«تحت هیچ شرایطی» به این معنا که حتی اگر ایران در تهدید ضربت اتمی باشد و حتی اگر قدرت‌ها با بمب‌های اتمی در جیبشان دور میز مذاکره‌ها بنشینند، و در حالی که با بمب‌هایشان شیرخوارگاه و پادگان نظامی و مدرسه و خانه و بونکر و مزرعه ذرت و مرکز اتمی را هم زمان با هم هدف بگیرند ولی از ایران بخواهند که تنها گفت و گو کننده صلح طلب باشد و حتی اگر اسرائیل در مجاورت ایران در یمن بمباران هسته‌ای به راه بیندازد... و حتی اگرها... و حتی وقتی که یکی از قدرت‌های اتمی جهان در مجاورت ایران بمب هسته‌ای علیه شهروندان غیر نظامی به کار برد، یعنی همان کشوری که ایران را به کشتار جمعی تهدید کرده است... و در دورانی که تمام ابر قدرت‌ها در حال مدرنیزاسیون سلاح‌های هسته‌ای شان هستند و حتی وقتی که هند فقیر مجبور می‌شود ۱۳ میلیارد دلار برای ساخت ۶ فروند زیردریایی اتمی اختصاص دهد و حتی وقتی که برخی مقامات امریکائی «توافقات» را به شکل حذف طرح حمله نظامی به ایران تعریف نکنند... و به قول جان کری ایران همچنان دشمن به حساب بیاید... ایران باید صلح طلب باقی بماند. زور بگیری از این روشنتر فکر نمی‌کنم برایشان ممکن بوده باشد.



انفجار بمب نوترونی اسرائیل در یمن

پل کرگ رابرتز در پایان مقاله اخیرش جمله بسیار معنی داری نوشته است: «اگر ایران جان سالم به در برد یک معجزه خواهد بود».

جنگ‌های معاصر از جنس بازار آزاد جهانی و نظام لیبرالی هستند. رد پای جنگ‌های معاصر را در روزمره نیز می‌توانیم جست و جو کنیم، به عنوان مثال، وقتی قهوه جوش ناگهان از کار می‌افتد، و لامپی می‌سوزد... جنگ‌های معاصر از جنس روزمره در دوران ما هستند. جهان صنعت مهندسی و طراحان ماهر کارخانه‌ها را به تروریست تبدیل کرده (تخریب سازنده) و مدعی می‌شوند که برای رشد اقتصادی ضروری است. تمام اجناسی که ما در بازار برای پاسخگویی به نیازهایمان خریداری می‌کنیم، سازندگان از پیش عمر مفید و تقریباً ساعت مرگش را نیز تعیین کرده‌اند. ولی آنچه را که اقتصاددانان سرمایه‌داری و لیبرال درک نمی‌کنند و یا نمی‌خواهند و یا نمی‌توانند درک کنند این است که منابع کره زمین نامحدود نیست. منابع زمین محدود است ولی حرص و آز یک عده اندک البته می‌تواند نامحدود باشد... تا این که زمین واقعاً منفجر شود.

سیاست «تخریب سازنده» یا «هرج و مرج سازنده» مثل آنچه در لیبیا یا سوریه، عراق و افغانستان عملی کردند، همرنگ و همجنس همین محصولات است که تاریخ مصرف آن را برنامه ریزی کرده‌اند. نامش هست «تخریب سازنده». همان سیاست است.

علاوه بر این سر تا سر رسانه های جهان، حتی آن بخشی که به رسانه های حاکم تعلق دارد، انباشته است از گزارشاتی که طی آن روزنامه نگاران و متخصصان از روند لیبرالی در جهان صنعت و تجارت جهانی برای آینده جهان و حیات کره زمین و ساکنانش اظهار نگرانی کرده اند، با قطع نظر از موضوع اختلاف طبقاتی و فاصله بسیار عمیق بین بخش فقیر ساکنان کره زمین و بخش ثروتمند کره زمین... می بینیم که سیاست «هرج و مرج سازنده» یا «تخریب سازنده» و محصولات بی دوام و تبدیل کردن افریقا (ونه تنها افریقا) به زیاله دانی جهان صنعت، در برخی موارد به تخریب بی بازگشت و ترمیم ناپذیر کره زمین و محیط زیست انجامیده است. در نتیجه شعار «نظام سرمایه دار دشمن نوع بشر، درود بر بزرگتر متحد کارگر» و شعار «کارگران جهان متحد شوید!» یعنی همان شعارهایی که برخی به فراموشی سپرده اند و یا به دیده تحقیرآمیز به آن نگاه می کنند، و یا آن را معادل قطعه ای در موزه اشیاء باستانی تعبیر می کنند، تازگی بی ماندی پیدا می کند. پدیده ای تازه که باز بینی و بازخوانی الگوی جامعه دیگری را برای ما ضروری می سازد. آنچه مسلم است این است که جامعه جهانی کنونی قابل زیست به مفهوم واقعی کلمه نیست.

از سوی دیگر اینترنت انباشته است از منابعی که از افزایش جمعیت و مشکل جمعیت در جهان حرف می زند. همه این میلیاردها آدم به آموزش و بهداشت، خانه، آزادی بیان و مسکن و ... نیازمند هستند... با آگاهی به این واقعیت که آب شیرین در جهان حجم ثابتی دارد که البته ۱۳ می ۲۰۰۹ انگلستان و استرالیا روی قطب جنوب ادعای مالکیت کردند. یعنی ۷۵ درصد از ذخیره تمام آب شیرین جهان به انضمام ۵۰۰ میلیارد تن ذغال سنگ باز مانده از دوران های اولیه را یک نفس بالا کشیدند. البته در قطب جنوب ثروت های طبیعی دست نخورده سرشاری انباشت شده ... و فراموش نکنیم که چنین ادعائی برای مالکیت قطب جنوب، پس از جنگ مالوین... از جمله به زیر دریائی های اتمی انگلستان تکیه دارد که می تواند اهداف خودش را از فاصله ۵۵۰۰ کیلومتری با دقت بسیار بالا مورد اصابت اتمی قرار دهد. در حالی که ایران هنوز دوچرخه را در اشکال تولید جهانی سومی و استعماری می سازد.



غرب لیبرال با شعارهای شاخدار آشغال هایش را به کجا منتقل می کند؟

البته هدف من در اینجا نقد و بررسی توافقات ۱+۵ با ایران نبود و نیست، تنها می خواستم قویاً یادآوری کنم که ستراتیژی غرب از زبان روزنامه نگاران واقعاً صادق از طیف پیشگام غرب کدام است.

<http://stopua.blogfa.com> (۱)

حمید محوی/پاریس/۲۱ جولای ۲۰۱۵

گاهنامه هنر و مبارزه - ۲۱ جولای ۲۰۱۵